

ایلات و عشایر کرمان: ادامه روند کوچ یا اسکان

سیامک زندر ضوی

مقدمه:

در حالی که پژوهش‌های بسیاری در باره ایالات و عشایر ایران صورت گرفته است، مطالعات انجام شده در باره ایلات و عشایر کرمان محدود است.^۲ این در حالی است که ۹۶ ایل، ۵۴۷ طایفه مستقل و ۱۸۰۲۲۳ خانوار عشایر کل کشور به ترتیب ۲۷ ایل، ۴۱ طایفه مستقل و ۲۹۶۷۳ خانوار در استان کرمان و بخشی از هرمزگان کوچ می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، س ۱۳۶۹: ۶۸) به عبارت دیگر ۲۸ درصد ایلات، ۷ درصد طوایف مستقل، ۱۶/۵ درصد خانوارهای عشایر ایران در کرمان کوچ می‌کنند و تقریباً ۱۲/۵ درصد دام‌عشایری را به خود اختصاص داده‌اند (قنبری، ۱۳۶۷: ۶۹). اما ۱۶ درصد پژوهش‌های موجود به ایلات و عشایر کرمان اختصاص ندارد. دلایل این امر چندان روشن نیست.

این شاید بعلت تنوع قومی و عدم انسجام آنها در یک اتحاد سیاسی نیرومند بوده است که خود سبب شده است که عشایر این منطقه برخلاف عشایر مرکزی در دو سده اخیر در

حیات سیاسی ایران نقش عمده‌ای نداشته و بر خلاف عشایر نواحی مرزی برای حکومت‌های مرکزی مسئله ساز نبوده‌اند در نتیجه پژوهشگران داخلی و خارجی آنها را به فراموشی سپرده‌اند، این موضوع از اهمیت جایگاه ایلات و عشایر کرمان در حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استان نمی‌گاهد چنانکه هر چند عشایر کرمان فقط ۶ درصد جمعیت استان را تشکیل می‌دهند، اما از ۱۱۷ دهستان استان، ۸۱ دهستان (۶۹ درصد) مناطق قشلاقی و بیلاقی آنان است. (سازمان برنامه و بودجه، س ۱۳۶۹: ۴۳) و از ۳۳۶۹۱۱۶ رأس گوسفند استان کرمان، ۹۷، ۱۷۶۷ رأس معادل ۵۲ درصد و از ۳۸۴۵۹۳۴ رأس بز در استان کرمان، ۲۴۲۲۵۲ رأس معادل ۶۳ درصد آن به عشایر استان تعلق دارد. (همان: ۱۵۵).

سیاست‌های دولت در ارتباط با عشایر ۱۳۷۰-۱۳۰۰

الف- دوره اول ۱۳۲۰-۱۳۰۰

در باره اقدامات رضا شاه و بخصوص سیاست «تخته قاپو» (ساکن کردن عشایر و ایلات) سخن بسیار رفته است. در این مختصر سعی می‌شود به اجمال دلایل، شیوه اجرا و نتایج آن بررسی شود. خانم لمبتون تخته قاپو را در جهت ایجاد امنیت و تجدد خواهی رضا شاه می‌داند، که بدون فراهم کردن مقدمات لازم به اجرا در آمد و مجریان سیاست عشایری رضا شاه آن را غلط تعبیر و بد اجرا کردند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۵۰۲-۵۰۰) عزیز کیاوند «تخته قاپو» را در جهت بوجود آوردن قدرت متمرکز و بلا منازع عنوان می‌کند و اجرای بد آنرا ناشی از بی‌بهره بودن رضا شاه، همدستان و مشاورانش از دانشهای سیاسی، جامعه شناسی و مردم شناسی می‌داند. (کیاوند ۱۳۶۸: ۱۱۴) کیاوند بر «سیاسی و امنیتی» بودن طرح تخته قاپو تاکید دارد که هدفش حذف توان رزمی جماعت‌های عشایری است که در آن بر زور و قدرت سر نیزه تکیه شده است. (همان: ۱۲۱) و ایراد کار را در این می‌داند که آنان احتمالاً سر و بدنه این ساختارهای قدرت را از یکدیگر تمیز و تشخیص

نمی‌دادند. در رأس این ساختارهای خانها، سرداران و بگها و مانند آنها بودند اما بدنه از مردم، مردم عادی تشکیل یافته بوده و سیاست عشایری دوره رضا شاه تمام ساختار را زیر ضربه گرفته و در نتیجه خشک و تر با هم سوخته است، این سیاست بر سه پایه استوار بوده است: قلع و قمع و سلب قدرت سران عشایر، تخته قاپو و خلع سلاح (همان: ۱۱۴).

مرحوم مدرس سیاست تخته قاپو را در جهت «وابستگی اقتصادی» می‌داند («... اما رژیم آینده (رضاشاه) تصمیمی جز این ندارد که ایلات ایران را تخته قاپو کند تا گوسفند و اسب ایرانی که برای تجارت تا قلب اروپا انتقال می‌یابد و سرچشمه عایدات هنگفت این کشور است روبه نابودی گذارد و روزی برسد که برای شیر و پنیر و پشم و پوست هم گردن ما به جانب خارجه کج باشد.»)

(شهبازی، ۱۳۶۱: ۲۴۶)

در تأیید تغییر معشیت عشایر غفاری می‌نویسد:

مأمورین دولت، عشایر تخته قاپو شده را از کشت محصولات و حیوانات که کاشت، داشت و برداشت آنها در راستای دامداری مبتنی بر کوچ بود (در سطح اراضی آبی) منع و آنان را ملزم به کشت درختان و نباتات غیر هماهنگ با کوچ می‌کردند در حالیکه عشایر هیچگونه اطلاعی پیرامون چگونگی کاشت، داشت و برداشت آنها نداشتند.

(غفاری، ۱۳۶۸: ۲۲۵)

امان‌اللهی بهاروند، سیاست تخته قاپو را در جهت حفظ منافع امپریالیست‌ها می‌داند، «وجود کوچ نشینان از جهاتی دیگر مانع منافع امپریالیست‌ها در ایران بود، کوچ نشینان از یک طرف باعث عدم امنیت جاده‌ها [می‌شدند] و از طرف دیگر نمی‌توانستند به صورت یک مصرف کننده برای کالاهای خارجی مورد استفاده قرار گیرند.»

(امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۲: ۲۳۶) و همچنین (موسائی، ۱۳۶۷: ۲۶) و (صیدانی،

۱۳۶۹: ۲۵)، بیات سیاست تخته قاپو را رویارویی عشایر و نظام نوین می‌داند: «برای حل

مسئله ایلات دو نحوه برخورد امکان پذیر بود: یا تلاشی وسیع و تدریجی برای انقیاد مرحله به مرحله آنها و ادغام نظام معیشتی ایلی در چارچوب روابط تولیدی جدید یا انهدام تام و تمام عشایر و محو نمودن کل پدیده کوچ نشینی از صفحه روزگار، حکومت پهلوی در مسیر دوم افتاد.» (بیات، ۱۳۶۵: ۸)

شهبازی نیز مانند بیات رویارویی نظام معیشتی و صنعتی را ریشه تخته قاپو می داند («... از آن رو که آینده به آنها [عشایر] تعلق نداشت در نظام غرب گرایی آینده که رضا شاه مأموریت چیدن سنگ پایه های آنرا داشت جایی برای این قشر از جامعه نبود») (شهبازی، ۱۳۶۶: ۲۳۷).

اجرای سیاست تخته قاپو به ارتش واگذار شده بود و این خود نتایج وخیمی برای جامعه عشایری به دنبال داشت.

«علل کج رفتاری مقامات با ایلات دو چیز بود: جهل و طمع، عدم شناخت صحیح واقعیات کوچ نشینی و قواعد و ضوابط آن مشکلات بسیاری به بار آورد. کوچ نشینی با شئون تمدن جدید مغایر تشخیص داده شده بود. پس هر اقدامی در جهت مختل ساختن این نظام روا بود.» (بیات، ۱۳۶۶: ۲۷) در این راه شهرهای جدید برپا شد و بعد از رضا شاه متروکه گردید. نمونه آن شهر «تل خسرو» است. (غفاری، ۱۳۶۸: ۲۲۴)

اجرای «تخته قاپو» همراه با برخی اقدامات فرهنگی!! بود. بر چیدن سیاه چادر، اجبار در پوشیدن لباس شهری و گلاسه پهلوی و کشف حجاب. (شهبازی، ۱۳۶۶: ۲۴۴) اینک چرا رضا شاه در اجرای این سیاست به موفقیت هایی رسید اینطور توضیح داده می شود: «موفقیت رضاخان مرهون تفرقه اندازی بین طوایف و ایلات هر منطقه، بدام انداختن سران و معتمدین آنان از راه نیرنگ و سوگند دروغ و بالاخره استفاده از سلاح ها و فنون جدید نظامی و مهمتر از همه برخورداری از پشتیبانی انگلیسها بود.» (شاهین فر، ۱۳۶۹: ۲۲)

ب- دوره دوم ۱۳۵۷-۱۳۲۱

این دوره را عزیز کیاوند به اجمال بررسی کرده است.

در برنامه هفت ساله اول جامعه عشایری نادیده گرفته شده است، در برنامه هفت ساله دوم در طرح عمران دشت مغان به اسکان ایل شاهسون اشاره شده است اما در عمل اقدامی صورت نگرفته است.

در برنامه سوم، طرح «گروههای آبادانی عشایری» پیش بینی شد که مجری آن وزارت «آبادانی و مسکن» بود. این طرح با ۴۶ میلیون ریال اعتبار مناطق عشایری بختیاری، قشقایی، کرد و بلوچ را در بر می گرفت.

در برنامه چهارم، تنها یک طرح از ۱۰۴ طرح عمرانی تحت عنوان آبادانی مناطق عشایری وجود داشت.

در برنامه پنجم، در قالب طرحهای خاص ناحیه ای چند طرح برای مناطق مختلف عشایری پیش بینی شده بود که عبارت بود از: طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی عشایر کرمان و کرمانشاهان. (کیاوند، ۱۳۶۶: ۱۳۲-۱۲۵)

از آنجا که از این تاریخ در باره طرحهای عمرانی در ارتباط با عشایر کرمان اطلاعات کافی وجود دارد بطور خاص به بررسی عشایر کرمان می پردازیم.

پ- دولت و جامعه عشایری در استان کرمان

۱۳۵۱-۱۳۷۰

۱- دوره اول ۱۳۵۷-۱۳۵۱

از نیمه دوم سال ۱۳۵۱ طرح عمرانی «توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی عشایر» در استان کرمان به اجرا درآمد، استاندار کرمان مجری طرح و دارای یک سرپرست اجرایی، راننده و چند مددیار عشایری با مجموعاً ۳۲ عضو بوده است (سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، ن، ۱۳۶۹: ۱۵) و اعتبارات آن مجموعاً دو میلیون و نهصد هزار تومان بوده است (همان ص ۲۸).

مجموع اقدامات این طرح عبارت بود از:

– احداث انبار علوفه، حمام ضد کنه، فروشگاه عشایری، لای روبی قنوات عشایری، توزیع واکسن رایگان، توزیع خامه و مصالح فرشبافی و پرداخت مساعده نقدی به زنان عشایر آشنا به فنون فرشبافی، انتخاب و آموزش دختران عشایر در دوره‌های ۷ ماهه مامایی و اعزام آنان به ایل، انتخاب مردان تحصیل کرده و آموزش دو ماهه آنها و اعزام آنان بعنوان مددیار عشایری به ایل، حفر و تجهیز چاههای آبشخور دام در مناطق کم آب عشایری که رایگان انجام می‌شده است.

این طرح تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت و در این سال اعتبارات آن به نه میلیون و سیصد هزار تومان رسید. (همان: ۲۸)

۲- دوره دوم ۱۳۷۰-۱۳۵۸

در این دوره طرح «توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی عشایر» منحل و سازمان امور عشایری بصورت یک سازمان سراسری وابسته به وزارت کشاورزی جایگزین آن شد این سازمان چندی بعد در ۱۳۶۳ به وزارت جهاد سازندگی پیوست و از ۱۳۶۸ بصورت اداره کل امور عشایر وابسته به وزارت جهاد سازندگی درآمد.

در سال ۱۳۶۷ این اداره ۲۴۱ نفر پرسنل داشته است که عموماً تحصیلاتی زیر دیپلم داشته‌اند. با این پرسنل محدود گستره فعالیت این اداره بسیار وسیع بوده است. اهم آن چنین است: حل و فصل مسائل مربوط به آب کشاورزی، آب آشامیدنی، کشاورزی، راهسازی، دامپروری، دامپزشکی و صنعت (سازمان برنامه و بودجه استان، ن، ۱۳۶۹: ۴۰) و اعتبارات آن در این سال به چهل و یک میلیون تومان می‌رسد که در مقایسه با سال ۱۳۵۷ به ۴/۵ برابر به قسمت‌های جاری افزایش یافته است (همان، ۲۸).

آخرین اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با عشایر کرمان تعیین اهداف توسعه جامعه عشایری و اعلام «طرح نوین رفاه جامعه عشایری» است که اولی توسط «گروه مطالعه جامعه عشایری استان» سازمان برنامه و بودجه تهیه و دومی بوسیله

«شورای عشایر استان» اعلام شده است. اهداف توسعه جامعه عشایری استان عبارتند از:

افزایش درآمد سرانه، افزایش سطح رفاه و برخورداری از خدمات، ایجاد اشتغال، تحول منطقی شیوه زیست، تحول منطقی شیوه‌های تولیدی، اعتلای فرهنگی، حفاظت و حراست منابع طبیعی و بهبود و افزایش تولیدات.

محدودیت‌ها و تنگناها: فقر مراتع و اضمحلال آنها، فقر منابع آب، فقر اقتصادی- فقر فرهنگی، معضلات شیوه‌های کهن تولید و معیشت.

قابلیت‌ها، تنوع آب و هوا و اقلیم و شرایط آب و خاک وجود امکانات نسبی آب و خاک در نواحی جنوبی استان، امکان بالقوه و غنی استان در زمینه رشد و توسعه بخش صنعت و معدن وجود زمینه‌های توسعه صنایع دستی و غذایی وجود زمینه‌های نسبی توسعه کشت گیاهان علوفه‌ای و ایجاد دامداری‌های متمرکز (سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، سنتز و خلاصه، ۱۳۶۹: ۴۷).

طرح نوین و ابعاد آن را از گزارش اداره کل عشایر استان کرمان نقل می‌کنیم:

بعد از بازدید ریاست جمهوری در تاریخ ۶ و ۷ فروردین ۱۳۶۹ از جیرفت و کهنوج عملیات اجرایی «طرح نوین رفاه جامعه عشایری» در شش بُعد آغاز می‌شود. طراحی و تشکیل تعداد ۴۸۵ گروه برای واگذاری اراضی (مجموعاً ۵۸۲۸ خانوار در ۴۸۵ گروه ۱۲ نفره و هر گروه ۱۲ نفره و هر گروه ۱۰۰ هکتار زمین).

- انجام آزمایشات آب و خاک، شبکه آبیاری، تسطیح و قطعه بندی، حفرو تجهیز چاه‌های عمیق در اراضی یاد شده، تهیه و اجرای طرح‌های مرتع داری در کنار اراضی واگذاری (بر اساس متوسط دام هر خانوار ۱۵۰ رأس و مجموعاً ۱۸۰۰ هکتار مرتع). مکان یابی مجتمع‌های مسکونی، شهرک‌های عشایری برای هر ده گروه ۱۲ خانوار در مجاورت یکدیگر، اجرای پروژه‌های ساختمان‌های مسکونی و برای هر خانوار ۱۰۰ متر مربع زیر بنا و فعالیت آخر، خدمات زیربنایی شهرک‌ها، شامل آب و برق، حمام و فروشگاه مجموعاً هر

خانوار عشایری در طرح نیازمند ۷۰ میلیون ریال سرمایه گذاری است که باید از طریق کمک‌های بلاعوض، وام بانکی، قرض الحسنه و خودیاری تامین شود. (اداره کل عشایری استان کرمان، ۱۳۶۹)

قرار بوده است این عملیات تا آخر سال هفتاد به پایان برسد اما هنوز تنها بخش اول آن به اتمام رسیده است.

مشکلاتی که سبب کندی کار شده است در گزارشی چنین عنوان شده است:

- برخورد و مزاحمت‌های افراد بومی ساکن مناطق واگذاری (دشت‌های کهنوج، جیرفت، ارزوئیه)

- مراحل اداری تصویب پروانه حفر چاه و صدور سند زمین

- عدم تامین اعتبار مورد نیاز طرح، عدم تدارک طرح از قبیل وسایل مورد نیاز تجهیز چاهها، عدم استقبال و همکاری و پذیرش بعضی از دستگاه‌های ذیربط. (اداره کل عشایری استان کرمان، ۱۳۷۰)

در اینجا پس از تشریح اقدامات دولت، نخست عوامل موثر در اعلام «طرح نوین» را در ابعاد اقتصادی و اجتماعی معرفی کرده و سپس سیمای عمومی عشایر استان کرمان را در بعد اقتصادی و به عنوان واحدهای بهره‌برداری و نیز ارتباط این واحدها را با سایر نظام‌های بهره‌برداری بررسی می‌کنیم.

هدف نهایی طراحی الگوهای جدید «زیست و کار» است که ضمناً پاسخ‌گوی کامل نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عشایر استان و هماهنگ با مقتضیات آخر قرن بیستم باشد.

عوامل اقتصادی و اجتماعی که «طرح نوین» بر آنها بنا شده است.

الف - سد جیرفت و حوزه آبخیز هلیل رود

سد جیرفت بر روی رودخانه هلیل رود احداث شده است؛ این سد در آینده‌ای نزدیک مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. مخزن آن ۴۲۵ میلیون متر مکعب گنجایش

دارد و ظرفیت مفید آن ۳۰۹ میلیون متر مکعب است، و سد قادر است ۱۱۰۰۰ هکتار اراضی دشت جیرفت را آبیاری کند. حوزه آبخیز این سد گستره پهناوری است که بیلاق ۴۶۴۱ خانوار از ۱۲ ایل در آن واقع است (سازمان برنامه و بودجه استان، س ۱۳۶۹: ۱۲۸). این در حالی است که با تخریب مراتع در این منطقه که ۴ برابر ظرفیتشان چرا داده می‌شوند (همان: ۱۸) پر شدن مخزن سد در میان مدت محتمل است. به عنوان مثال: «در منطقه «رابر» بافت واقع در این حوزه آبخیز با از میان رفتن جنگلها ۳۵۰ هزار هکتار خاک ماری پدید آمده است که ناپایدار بوده و با اندکی بارندگی حرکت می‌کند» (همان: ۱۷) بنابراین خارج کردن عشایر از این مناطق ضرورت دارد اما این خروج دغدغه خاطر کارشناسان را به اتمام نمی‌رساند. «باید تمهیداتی را پیش بینی کرد که بعد از واگذاری اراضی به عشایر در مناطق قشلاقی حق نسق و پروانه‌های چرای آنها از مراتع بیلاقی گرفته شود و این عشایر هیچگاه اجازه ورود به مراتع بیلاقی را نداشته باشند.» (همان ۱۲۳).

به مسئله تخریب دام عشایر باید «بوته کنی» برای گرما و روشنایی و پخت پز را هم اضافه کرد، تخمین‌های کارشناسی میزان برداشت انواع بوته و درخت را روزانه ۹۱ تن برآورد می‌کند (همان، ۲۵۳)

خلاصه آنکه حیات سد و رونق ناشی از آن به خروج یک چهارم عشایر استان و دام آنها از مناطق بیلاقی شان برای همیشه وابسته است. راه در پشت سر بسته می‌شود، و در پیش رو مناطق قشلاق دشت‌های کهنوج، جیرفت و آرزوئیه گسترده است: دشت‌هایی که در گذشته نه چندان دور، مراتع عمده گرمسیری عشایر کرمان را تشکیل می‌داده است.

ب- گسترش کشاورزی تجاری در دشت‌های کهنوج، جیرفت و آرزوئیه و مشکلات عشایر

این دشتها همانطور که اشاره شد مراتع عمده گرمسیری عشایر کرمان را تشکیل می‌دهد و مکان مناسبی برای کشت جالیز، مرکبات، سبزیجات و خرما است، بطوریکه در ۱۷ سال گذشته سطح زیر کشت جالیز ۲۰ برابر، سبزی ۱۲ برابر، مرکبات ۱۱ برابر و خرما ۳

برابر شده است (سازمان برنامه و بودجه استان، کشاورزی، ۱۳۶۹: ۹)

این افزایش سطح زیر کشت تنها به قیمت تصرف عدوانی مراتع عشایری به نتیجه رسیده است حتی در این تصرف غیر مجاز مشاع‌ها نیز مشارکت دارند. «در منطقه جیرفت حدود ۱۵ درصد از مشاع‌ها در گذرگاه‌های عشایری بوجود آمده است. (همان، ۱۲۷)

دعوای بی‌پایان عشایر با متصرفین معمولاً نتیجه‌ای نداشته است. در نتیجه عشایر بعلت محدودتر شدن مراتع زمان ماندن در قشلاق را کوتاه‌تر می‌کنند و فروردین و حتی اسفند به بیلاق می‌روند (همان، ۱۲۹). و در بیلاق با مأمورین محیط زیست و حیات وحش مواجه می‌شوند که بر خورده‌هایی نیز داشته‌اند (همان، ۳۱) خلاصه اینکه:

بخش بزرگی از عشایر کرمان راه رابر بیلاق و قشلاق بسته می‌بینند و «طرح نوین» نیز دریچه‌ای بر آنها نمی‌گشاید. این طرح بدون مطالعات پایه اجتماعی و اقتصادی شروع شد و تنها گوشه چشمی به مشاع‌های ۱۲ خانواری سالهای ۵۹-۵۸ داشته است.

سیمای عمومی عشایر استان در بعد اقتصادی

در استان کرمان بر اساس سرشماری عشایری سال ۱۳۶۶ میانگین تعداد دام ۹۹ رأس بوده است اما این میانگین چندان گویا نیست، از یک طرف توزیع دام در جامع عشایری نامتوازن است و از طرف دیگر وجود زراعت در حاشیه دامداری و درآمدهای نقدی و غیر نقدی حاصل از آن سبب ایجاد قشر بندی خاصی بر اساس درآمد در میان عشایر می‌شود.

امروزه ترکیب گله‌ها به علت تقاضای گوشت در بازار شهرها و «کاربر» بودن تهیه فرآورده‌های لبنی از داشتنی به گوشتی تغییر کرده است. بطوریکه تولید ناخالص فرآورده‌های دامی استان کرمان در سال ۱۳۶۶ به ترتیب گوشت ۳۹ درصد، کرک ۲۷ درصد، شیر ۱۹ درصد، پوست ۸ درصد و پشم ۷ درصد بوده است (سازمان برنامه و بودجه استان، ۱۳۶۹: س ۱۶۰) و به علت فقر مراتع میانگین وزن لاشه ۱۱/۵ کیلو بوده است. در حالی که وزن عادی گوسفند بلوچی در کرمان ۶۵-۶۰ کیلوگرم و وزن لاشه به حدود ۳۲/۵

کیلوگرم می‌رسد (همان: ۱۶۰).

از مجموع ۲۹۶۷۳ خانوار عشایر تنها ۹۶۶۶ خانوار ۳۳ درصد فعالیت زراعت دارند که متوسط اراضی زراعی آنها ۱/۶ هکتار است (همان: ۱۵۲).
اما توزیع اراضی در میان عشایر بگونه‌ای است که ۷۰/۸ درصد آنها تا ۲ هکتار زمین داشته و ۲۹ درصد اراضی را در مالکیت خود دارند در حالی که ۲۳ درصد آنها ۲/۸ تا ۸ هکتار و ۴۳/۵ درصد اراضی را مالکند و ۶/۲ درصد باقیمانده ۸/۸ تا ۲۰ هکتار زمین دارند و ۲۷/۵ درصد اراضی را در تملک داند. (سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، کشاورزی، ۱۳۶۹: ۴۲)

وجود زمینهای زراعتی و اشکال مختلف استفاده از مرتع و استفاده از سرچرویس چر در تعلیف دام‌ها بر هزینه تولید و در نتیجه بر میزان درآمد عشایر تأثیر مستقیم دارد، نمونه‌ای از ترکیب متنوع آن در حوزه آبخیز آبکنار دشت ارزوئیه ارائه می‌شود.

انواع بهره‌برداربهای عشایری بر اساس نظام استفاده از مراتع (مدت توقف به ماه)

جمع	پس چر	سرچر	مراتع قشلاقی	مراتع میانبند	مراتع بیلاقی	
۱۲	۲	۱	۴	۱	۴	عشایر دارای زراعت و مراتع بیلاقی کافی
۱۲	۲	۲	۸	-	-	عشایر دارای زراعت فاقد مراتع بیلاقی کافی
۱۲	-	-	۵	۲	۵	عشایر فاقد زراعت دارای مراتع بیلاقی
۱۲	-	-	۱۲	-	-	عشایر فاقد زراعت و فاقد مراتع بیلاقی

در سه دهه گذشته در کنار بهره‌برداری‌های عشایری در مناطق قشلاقی استان کرمان، بهره‌برداری‌های دیگری پدید آمده است و عشایر با آنها رابطه متقابلی برقرار کرده‌اند که بررسی و شناخت این ارتباط و نتایج آن در مرحله «اسکان» و انواع جهت‌گیری‌های ممکن آن تعیین‌کننده خواهد بود. در جداول صفحه بعد انواع نظام‌های بهره‌برداری موجود در دشت ارزوئیه به اجمال معرفی و روابط آنها با عشایر طرح می‌شود.

با توجه به آنچه در توصیف سیمای اقتصادی عشایر استان آمد تاکید می‌شود که عشایر کلبیتی یگانه نیستند و در درون خود به لحاظ بنیه مالی و وضع اقتصادی و ادغام با نظام‌های بهره‌برداری موجود دارای قشر بندی‌های متفاوتی هستند. این مسئله را از میزان درآمد عشایر استان که در سال ۱۳۶۸ توسط سازمان برنامه و بودجه استان بررسی شده است می‌توان دریافت. (سازمان برنامه و بودجه استان، درآمد، ۱۳۶۹: ۳۷-۳۶) ۳۷ درصد عشایر کمتر از ۶۰۰ هزار ریال سالیانه درآمد داشته‌اند و مجموعاً ۷ درصد درآمد عشایر را به خود اختصاص داده‌اند، ۴۳ درصد ۶۰۰ هزار تا ۱/۸۰۰ هزار ریال درآمد داشته‌اند و مجموعاً ۱۷ درصد درآمد را در اختیار داشته‌اند و ۲۰ درصد آخر تا بیش از ۳/۶۰۰ هزار ریال درآمد داشته و ۷۶ درصد درآمدها را تملک داشته‌اند. نتیجه اینکه:

توجه به تفاوت‌های عشایر به لحاظ توان مالی در موفقیت هر برنامه اهمیت اساسی دارد. معمولاً عشایری که بنیه مالی بهتری دارند در جلو صف دریافت کمکها نیز حرکت می‌کنند، بیشترین مراجعه را به مراکز دولتی و وام‌دهی دارند و بیشترین بهره را هم نصیب خود می‌کنند. در اختصاص امکانات رایگان دولتی به عشایر باید این مسئله در مرکز توجه قرار گیرد.

چنانکه ذکر شد، فکر یکجانشین کردن عشایر کوچرو تازه نیست، حداقل از آغاز سده اخیر به دفعات و تحت عناوین مختلف عشایر را «تخته قاپو» کرده‌اند.

امروزه در پایان قرن بیستم دوباره فکر «اسکان» مورد توجه مسئولین و پژوهشگران قرار گرفته است. برای آنکه این «طرح نوین» به سرنوشت «تخته قاپو» دچار نشود، آموختن

انواع نظام‌های بهره‌برداری موجود در دشت آرزویی

محصولات	علت پیدایش	وسعت بهره	فاعلیت	مدیریت	مالکیت	نوع بهره‌برداری
گوشت، لبنیات کرک، پشم	—	—	بهره‌بردار	بهره‌بردار	موانع ملی	عشایر فاقد زراعت
گوشت، لبنیات مرکبات، گندم	موتورهای آبشخور دام	۲۰-۱۰	بهره‌بردار	بهره‌بردار	موانع ملی	عشایر دارای زراعت
گندم، جو، مرکبات	اصلاحات ارضی	۲۰-۱۰	بهره‌بردار	بهره‌بردار	بهره‌بردار	مزارع خانوادگی دهاتی
گندم، پنبه، مرکبات	وامهای کشاورزی	۵-۱۵	کارگر مزدی، سهام‌بر	سرمایه‌گذار	سرمایه‌گذار	سرمایه‌داری ارضی
صیفی	سرمایه بارفروشان	۵-۱۵	ورتنه	سرتنه	مالک	بندهای مهاجر کار

روابط متقابل نظامهای موجود در دشت ارزوئیه
پرداخت

بده‌های مهاجر کار	سرمایه‌داری ارضی	مزارع خانوادگی دهقانی	عشایر دارای زراعت	عشایر فاقد زراعت	
بس - چر - آیشخور	بس - چر - آیشخور	بس - چر - آیشخور دام	—	—	عشایر فاقد زراعت
بس - چر - بول نقد	بس - چر - بول نقد	—	—	بول نقد	عشایر دارای زراعت
—	سهم از محصول	—	—	بول نقد	مزارع خانوادگی دهقانی
وجه اجاره زمین	—	نیروی کار در زنگهداری مزرعه	نیروی کار در پنبه چینی و زمین شکنی	نیروی کار در پنبه چینی و زمین شکنی	سرمایه‌داری ارضی
—	زمین به اجاره	—	زمین به اجاره	بول نقد	بده‌های مهاجر کار

۱۲۵

دروسی از تجربیات سده اخیر که به قیمت از میان رفتن بسیاری زندگی‌ها بدست آمده است ضرورت دارد. برخی از رئوس این نتایج عبارتند از:

- ۱- برای برنامه اسکان هیچ نسخه عمومی وجود ندارد.
 - ۲- برنامه باید رفع نیازهای اساسی جامعه عشایری را در رأس خود قرار دهد.
 - ۳- الگوی اسکان باید با توجه به امکانات و محدودیت‌های مناطق مختلف طراحی شود.
 - ۴- الگوی اسکان باید احتراز از اشتباهات انواع الگوهای «زیست و کار» خودبخودی در سه دهه اخیر باشد. لذا مطالعه الگوهای موجود ضرورت دارد.
 - ۵- الگو به لحاظ اقتصادی و اجتماعی قابل دفاع باشد.
 - ۶- در طرح اسکان قشر بندی اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه عشایری مورد توجه قرار گیرد و اولویت تخصیص امکانات با اقشار کم درآمدتر باشد.
 - ۷- انتخاب الگوی پیشنهادی و یا رد آن توسط جامعه عشایری سنجش بطوریکه اجرای برنامه توسط آنان کاملاً داوطلبانه باشد.
- با توجه به اصول فوق هدف این پژوهش طراحی الگوی مناسب برای اسکان بخشی از عشایر کرمان در مناطق قشلاقی واقع در دشتهای ارزوئیه، کهنوج و جیرفت است. در سه دهه اخیر در این دشتهای واحدهای «زیست و کار» بی‌شماری بوجود آمده است که با شاخصهای متفاوتی می‌توان آنها را طبقه‌بندی کرد.
- ۱- به لحاظ تعلق اجتماعی، شهری، روستایی و عشایری.
 - ۲- به لحاظ امکانات اولیه تاسیس موتور پمپ‌های واگذاری (مشاع، مرتع‌داری، آبشخور دام) و غیر واگذاری (خصوصی، قانونی و غیر قانونی).
 - ۳- به لحاظ تعداد شرکاء، تا ۶ نفره، ۱۲ نفره و ۳۶ نفره
 - ۴- به لحاظ الگوی سکونت، یکجانشین‌ها، نیمه کوچ‌روها و مهاجر کارها.
 - ۵- به لحاظ نحوه استفاده از زمین: زراعت‌های سالانه، علوفه کاری، تلفیق زراعت، باغداری و علوفه کاری و.....
 - ۶- به لحاظ زمان تاسیس و قدمت: قبل از انقلاب و بعد از انقلاب

با توجه به شاخصهای مذکور واحدهای موجود به گروههای قابل مقایسه تقسیم می شود که با بررسی آنها میتوان به مناسبترین الگو به لحاظ، مقدار زمین، الگوی کشت، سرمایه گذاری، استفاده از ماشینهای کشاورزی، مسئله همکاری خانوارها و مسئله تقسیمات ارثی دست یافت. مقایسه الگوی پیشنهادی با وضع کنونی عشایر کوچرودر منطقه و سنجش زمینه علاقه آنها در استحکام مبنای الگوی پیشنهادی موثر است.

یادداشت ها و منابع

- ۱- برای دسترسی به برخی مطالعات انجام شده در باره عشایر و ایلات در ایران مراجعه شود به (دبیرخانه شورای عالی عشایری، ۱۳۶۶) و (حسن لاریجانی، ۱۳۷۰)
- مشخصات بعضی پژوهشگران در این مآخذ ثبت شده است: (امان اللهی، ۱۳۶۰: ۱۹-۲)
- ۲- برخی از گزارش های و پژوهشها عبارتند از: (وزیری کرمانی، ۱۳۵۳)، (سایکس، ۱۳۳۶)، (رزم آرا، ۱۳۲۳)، لژیون خدمتگزاران بشر، ۱۳۵۱)، (دفتر برنامه و بودجه استان، ۱۳۵۵)، (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵)، (افشار سیستانی، ۱۳۶۶)، (میرشکاری، ۱۳۶۷)، (مرکز آمار ایران، شهریور ۱۳۶۸)، (گروسی، ۱۳۶۹)، (سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، ۱۳۶۹)، (Braddord:1990)، (Stober:1979) و آثار دکتر باستانی یاریزی که در آنها گنجینه ای از تاریخ ایلات و عشایر کرمان نهفته است.

پرتال جامع علوم انسانی

کتابشناسی

الف - فارسی

اداره کل عشایری استان کرمان، ۱۳۶۹. برنامه زمانی و تدارکاتی طرح نوین رفاه جامعه عشایری استان کرمان فاز اول کرمان: اداره کل عشایری استان.

اداره کل عشایری استان کرمان، ۱۳۷۰. گزارش پیشرفت عملیات مطالعاتی و اجرایی طرح نوین رفاه جامعه عشایری استان.

افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۶۶. مقدمه‌ای بر شناخت ایلهها، چادر نشینان و طوایف عشایری، تهران: مؤلف. امان اللهی بهاروند، سکندر، ۱۳۶۰.

کوچ نشینی در ایران، پژوهشی درباره عشایر و ایلات. تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب بیات، کاوه. ۱۳۶۵.

شورش عشایر فارس، سالهای ۱۳۰۷-۱۳۰۹ تهران: نشر نقره.

رزم آرا، علی ۱۳۲۳. جغرافیای نظامی کرمان، تهران؟

دبیرخانه شورای عالی عشایری، ۱۳۶۶. منابع و مآخذ عشایر ایران، تهران: دبیرخانه شورای عالی عشایری.

دفتر برنامه و بودجه استان کرمان، ۱۳۵۵. گزارش ارزیابی طرح توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی عشایر استان کرمان، کرمان: برنامه و بودجه.

سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۶، سفرنامه سایکس (دو هزار مایل در ایران). تهران: کتابخانه ابن سینا.

سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، ۱۳۶۹. طرح مطالعات جامعه عشایری، سنتز و خلاصه مسئول هماهنگی بهرام عزمی. کرمان: سازمان برنامه و بودجه.

سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، ۱۳۶۹. طرح مطالعات جامعه عشایری کشاورزی. در آمد و هزینه، نظام اداری مسئول هماهنگی بهرام عزمی. کرمان: سازمان برنامه و بودجه.

شاهین فر، ۱۳۶۹. سوابق تاریخی و مبارزات ایل شاهسون، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب شماره ۱۲.

ص ۲۹-۱۹.

شهبازی، عبدالله. ۱۳۶۹. مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران: نشرنی.

صیدانی، ۱۳۶۹. مبارزات بختیاری با رضاخان، فصلنامه عشایری، ذخائر انقلاب شماره ۱۱ ص ۳۹-۱۷.

عبدالله گروسی، عباس ۱۳۶۹. آئینها، زایش و رویش در جنوب کرمان، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر دوره اول شماره ۱، ص ۱۰۳-۶۹.

عزمی، بهرام و همکاران ۱۳۶۵. مطالعه گروههای مشاع کشاورزی استان کرمان، کرمان: سازمان برنامه و بودجه.

غفاری، هیبت الله. ۱۳۶۸. ساختارهای اجتماعی عشایر بویر احمد. تهران: نشرنی.

قنبری، علی ۱۳۶۷، بهره‌وری در نظام دامداری عشایری، بررسی وضع موجود جمعیت دام عشایری، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب شماره ۵، ص ۷۷-۵۷.

کیاوند، عزیز ۱۳۶۸ حکومت، سیاست و عشایر، تهران: انتشارات سازمان عشایری.

لاریجانی، حجت‌الله حسن، ۱۳۷۰. کتابنامه عشایری ایران، تهران: دبیرخانه شورای عالی عشایری.

لژیون خدمتگزاران بشر، دفتر طرح و برنامه، ۱۳۵۱. گزارش نهایی منطقه عملیات سازمان عمران جیرفت تهران؟ لمبتون، ۱۳۶۲.

مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی مرکز آمار ایران، شهریور ۱۳۶۸. سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچرو و نتایج تفصیلی ایل افشار ۱-۳ تهران: مرکز آمار ایران.

میرشکاری سلیمانی، فریدون ۱۳۶۷. ایلات و طوایف استانهای کرمان و هرمزگان.

فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب شماره ۵- ص ۵۷-۳۳.

موسایی، ۱۳۶۷. مبارزات عشایر بویر احمد با حکومت پهلوی، فصلنامه عشایری، ذخائر انقلاب شماره سوم و چهارم.

وزیری، احمد علی خان. ۱۳۵۳. جغرافیای کرمان به کوشش دکتر ابراهیم باستانی باریزی تهران: انتشارات ابن سینا

ب: لاتین

Brad burd, Daniel 1990 - Ambiguous Relations: Kin class and Conflict Among Komachi Pastoralists , Washington and London : Smith Sonian Institution press

Stober , G 1978 - Die Afshar Nomadismus im Raum Kerman, Marbung : Geo - graphischen Institutes der Universitat Marbung.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی